

مطالعه‌ی شهروندی فرهنگی در کلان‌شهر کرج و رابطه‌ی آن با سرمایه‌ی فرهنگی و فرهنگ شهروندی

زهرا محمدی^۱

چکیده

امروزه رویکرد فرهنگی در همه‌ی امور از جمله سیاست‌گذاری مدیریت شهری اهمیت یافته است و نظام‌های اجتماعی از آن حمایت می‌کنند. هدف پژوهش بررسی شهروندی فرهنگی در کلان‌شهر کرج است و رابطه‌ای که با سرمایه‌ی فرهنگی و فرهنگ شهروندی دارد. پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی و روش آن پیمایشی است. جامعه‌ی آماری شهروندان ۱۵-۶۵ ساله کرجی بودند که طبق فرمول کوکران ۳۸۴ نفر با شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. داده‌ها از طریق پرسش‌نامه گردآوری و به کمک SPSS و با ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون مورد تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد، بین شهروندی فرهنگی با فرهنگ شهروندی رابطه‌ی معناداری وجود دارد اما بین شهروندی فرهنگی با سرمایه‌ی فرهنگی رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. نتیجه این‌که شهروندان کرج حضور سایر ساکنان آن شهر را که با آنها از نظر زبان، نژاد، قومیت تفاوت دارند را در یک مجموعه شهری پذیرفته‌اند و با حقوق و وظایف خود نسبت به شهروندان دیگر آشنا هستند. با توجه به حقوق فرهنگی شهروندان، هریک از قومیت‌ها، نژادها و اقلیت‌های مذهبی اجتماعی دارای حق شهروندی است و فرهنگ شهروندی می‌تواند عاملی برای ارتقای حقوق فرهنگی آنها باشد.

واژگان کلیدی: شهروندی فرهنگی، فرهنگ شهروندی، تنوع فرهنگی، سرمایه‌ی فرهنگی

شهروندی^۱ مفهومی است که انتظارات نقش افراد جامعه را مشخص می‌کند و آگاهی از آن برای مردم و مسئولان مهم است. شهروندی به معنای مجموعه‌ای از حقوق و وظایفی است که دستیابی هر فرد به منابع اجتماعی و اقتصادی جامعه را تعیین می‌کند (محبوبی شریعت‌پناهی و همکاران، ۱۴۰۰: ۶۸). امروزه با توجه به جهانی‌شدن، فن‌آوری‌های جدید و رسانه‌های جمعی گسترده، حقوق شهروندی به‌خصوص در جوامعی تنوع فرهنگی بیشتری دارند، اهمیت یافته است. محققان برای مطالعه حقوق فرهنگی افراد جامعه، از مفهوم شهروندی فرهنگی^۲ استفاده می‌کنند. مردم شهرهای بزرگ معمولاً از حقوق خود آگاهند و متقابلاً حقوق دیگران را نیز رعایت می‌کنند. آنها ضمن حفظ فرهنگ مشترک جامعه، سعی می‌کنند آن قسمت از فرهنگ‌شان که با دیگران متفاوت است را نیز حفظ کنند، هرچند که دارای زبان، قومیت و نژاد متفاوت باشند. انتظار می‌رود که افراد جامعه علاوه بر آشنایی از حقوق و وظایف خود، در مقابل انتظارات شهروندی متعهد بوده و مشارکت اجتماعی نیز داشته باشند. اگر در جامعه‌ای، شهروندی فرهنگی وجود داشته باشد و شهروندان بخواهند که فرهنگی عمل کنند و برای آن احترام قائل باشند، نوع رفتار و روابط افراد جامعه تغییر کرده و شهروندان را موظف می‌کند تا به یکدیگر احترام گذاشته و تفاوت‌های موجود را بپذیرند.

شهروندی از دل تجدد به‌وجود آمده و به‌عنوان یک پدیده تحولاتی را پشت‌سر گذاشته است. شهروندی در هر کشوری و در زمانی، دارای معانی مختلفی بوده است (استیونسون، ۲۰۱۳: ۱۱). سازمان برنامه اسکان بشر سازمان ملل (۲۰۱۶) در تعریفی، تمام افرادی را که ذیل عنوان شهر ثبت شده و در آن زندگی کنند را شهروند محسوب می‌کند. از دهه ۱۹۵۰ میلادی به بعد، با تزلزل در نظریه‌ها و برنامه‌های توسعه اقتصادی از یک‌سو و تولید نظریه‌های جدید و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی، تکنولوژی‌های نوپدید ارتباطی و اهمیت رسانه‌ها و ظهور صنایع فرهنگی از سوی دیگر که در دنیا به‌وجود آمد،

^۱. Citizenship

^۲. Cultural citizenship

^۳. Stevenson

موجب شکل‌گیری پدیده‌ای به نام شهروندی فرهنگی شد و فرهنگی شدن به امر سیاسی بدل شد. این تحولات موجب شد تا فرهنگ و مباحث مربوط به فرهنگ اهمیت پیدا کنند (باقریان، ۱۳۹۰: ۴۶). در طی زمان از حقوق سیاسی، اجتماعی و مدنی در زمینه شهروندی سخن به میان آمده است و درصدد تعیین حیطه این حقوق بوده‌اند؛ اما امروزه اعتقاد نظریه‌پردازان بر این است که شهروندان علاوه بر نیازهای اقتصادی، اقتصادی، سیاسی و مدنی، نیازهای فرهنگی هم دارند که شهروندی سیاسی، اجتماعی و مدنی نمی‌تواند پاسخگوی نیاز فرهنگی مردم جامعه باشد. به همین سبب از حقوق فرهنگی، فرهنگ شهروندی^۱ و شهروندی فرهنگی سخن به میان می‌آید. تحولات دهه‌های اخیر در راستای اهمیت یافتن فرهنگ و فرهنگی شدن عرصه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است، لذا فرهنگی شدن شهروندی اجتناب‌ناپذیر است (احمدپور، مرادپور و حاتمی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۸۲). ازدیاد جمعیت در اثر مهاجرت به شهرها به خصوص به شهرهای بزرگ موجب تداخل فرهنگ‌های مختلف شده است. این پدیده اداره شهرها را با تعارض قومی، نژادی، زبانی و سنت‌های متفاوت مواجه کرده است (استیونسون، ۲۰۱۳: ۳۳۳). اقوام مهاجر هویت‌های متفاوتی دارند که باید از سوی جامعه حفظ شود؛ زیرا شهروندی فرهنگی، سلیقه‌ها و حقوق و فرهنگ اقوام مختلف جامعه را دربر می‌گیرد (کریمی، ۱۳۹۰: ۳۲۰). در واقع تفاوت فرهنگی موجود در جامعه موجب پرورش شهروندان با خصوصیات خاصی می‌شود که انتظارات متناسب با آن فرهنگ را دارند و در اینجاست که پدیده شهروندی فرهنگی نمایان می‌شود. البته توسعه فناوری‌های نوین و رسانه‌های جمعی در آگاهی شهروندان نسبت به حقوق فرهنگی نقش مهمی دارد (حاجی محمدی، ۱۳۸۹). طبق نظر یانگ^۲، تمام اقلیت‌های فرهنگی و زبانی برای حفظ فرهنگ و زبان خود باید حقوق خاصی داشته باشند و از همه مزیت‌های شهروندی مانند فرصت شغلی و آموزش برابر بهره‌مند شوند. لازمه این حقوق، توجه دولت‌ها و نهادهای اجتماعی به فرهنگ‌های خاص و زبان‌های محلی است (توانا، ۱۳۹۰: ۳۴). جهت حفظ یکپارچگی و

^۱ Culture of citizenship

^۲ Young

انسجام اجتماعی، به‌خصوص در کلان‌شهرها، شهروندان باید رعایت سایر مردم با فرهنگ‌های متفاوت را داشته باشند و به آنها احترام بگذارند، به‌نحوی که بدون تحقیر، همدیگر را تحمل کرده و زندگی مسالمت‌آمیزی داشته باشند. در واقع هر شهروندی با هر نوع فرهنگی باید احساس تعلق به جامعه خود را داشته باشد و از منابع موجود در جامعه به‌طور عادلانه‌ای بهره‌مند شود و تفاوت‌های جنسیتی، طبقاتی، قومی و نژادی نباید در میزان برخورداری از منابع تأثیری داشته باشد.

در این میان، ایران از جمله کشورهایی است که دارای تنوع مذهبی (اسلام، یهود، زرتشت، مسیحی و...)، تنوع قومی (فارس، ترک، کرد، لر، گیلک و...)، تنوع زبانی (فارسی، کردی، ترکی و...) است. اهمیت موضوع از آن‌جهت است که پدیده شهروندی فرهنگی در ایران کمتر کار شده است و جزو پژوهش‌های به‌روز است. شهر کرج چهارمین شهر پرجمعیت ایران محسوب می‌شود. با افزایش جمعیت و انباشت صنایع در اطراف تهران، کرج گسترش یافت و با پذیرش مهاجران و تبدیل شدن به استراحتگاه کارمندان و کارگران و شاغلان پایتخت و با مهاجرپذیری از سراسر کشور به کلان‌شهری تبدیل شده است که جامعه‌ای با تنوع فرهنگی، قومی، زبانی و دینی است که به ایران کوچک معروف است. نکته اینجاست که شهر کرج دارای ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی است که در کمتر شهرهایی می‌توان یافت. در همسایگی قرارگرفتن کرج در کنار پایتخت و پذیرش مهاجران متنوع و رشد بی‌رویه آن موجب شده تا مدیران شهری نتوانند از سیاست‌های سایر شهرها به‌عنوان یک الگو برای آن استفاده کنند. کلان‌شهری مانند کرج به لحاظ تنوع بافت جمعیتی مسائل و مشکلات خاص خود را دارد که ممکن است به مرز بحران برسد. لازمه پیشگیری بحران‌های شهری و شهرنشینی، وجود یک فرهنگ مناسب شهرنشینی و شهروندی است؛ لذا برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی این شهر، شناخت ویژگی‌های فرهنگی آن ضروری است و این پژوهش با هدف مطالعه شهروندی فرهنگی انجام شده و در پی پاسخ به این سؤال است که شهروندی فرهنگی چه رابطه‌ای با سرمایه فرهنگی^۱ و فرهنگ شهروندی دارد؟

^۱ Cultural capital

پیشینه تجربی

غفاری، آقاجانی، گرجی و پوریان (۱۴۰۰) به شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های پیشران‌های شهروند فرهنگی به روش کیفی پرداختند. یافته‌ها نشان داد که برای پیشران‌های فرهنگی ۱۲ بعد و ۴۹ مؤلفه شناسایی شد. ابعاد شامل فرهنگی / اجتماعی (۷ مؤلفه)، مسئولیت‌پذیری (۵ مؤلفه)، مشارکت شهروندی (۶ مؤلفه)، هویت شهروندی (۲ مؤلفه)، اعتماد بین شخصی (۲ مؤلفه)، توسعه رسانه‌ها از ارتباطات جمعی (۳ مؤلفه)، گرایش به پیروی از قانون (۵ مؤلفه)، مسئولیت اجتماعی و فرهنگی (۶ مؤلفه)، وضعیت اقتصادی و اجتماعی (۳ مؤلفه)، گرایش‌ها فرهنگی (۵ مؤلفه) و پذیرش سرمایه اجتماعی (۲ مؤلفه) بودند.

احمدی و مرادی (۱۳۹۷) سرمایه اجتماعی (آنلاین و آفلاین) و فرهنگ شهروندی در سندج را مورد پیمایش قرار دادند. نتیجه اینکه مشارکت مدنی بیشتر مورد توجه شهروندان بوده است و مهم‌ترین بعد سرمایه اجتماعی اثرگذار بر فرهنگ شهروندی، سرمایه اجتماعی برون‌گروهی موجود در فضای مجازی بوده است.

آذین (۱۳۹۶) به بررسی نقش سرمایه اجتماعی در پایبندی به فرهنگ شهروندی در بین شهروندان شهر اصفهان پرداخت و به این نتیجه رسید که بین ابعاد سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی، تعامل اجتماعی، آگاهی اجتماعی، حمایت اجتماعی و انسجام اجتماعی) و پایبندی به فرهنگ شهروندی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و سرمایه اجتماعی ۰/۴۳ از پایبندی به فرهنگ شهروندی را تبیین می‌کند.

کبیری (۱۳۹۳) به بررسی و تحلیل جامعه‌شناختی وضعیت شهروندی فرهنگی در بین مردان و زنان تنکابن پرداخت. یافته‌ها نشان داد که بین سرمایه عینی فرهنگ شهروندی با سرمایه نهادی رابطه معناداری وجود دارد. بین شهروندی فرهنگی و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین بین سرمایه فرهنگی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد اما بین سرمایه فرهنگی و شهروندی فرهنگی رابطه معناداری دیده نشد.

نوری و گل‌پرور (۱۳۹۰) پژوهش بر خورداری زنان از حقوق شهروندی را انجام دادند. نتایج نشان داد میزان بر خورداری زنان از حقوق شهروندی پایین است و متغیر سن، جامعه‌پذیری جنسیتی، وضعیت تأهل، طبقه اجتماعی و تقسیم کار خانگی بر میزان بهره‌مندی از حقوق شهروندی اثرگذار است. بهبود موقعیت زنان موجب مشارکت اجتماعی بیشتر آنان می‌گردد. حقوق شهروندی سهم به‌سزایی در احساس عدالت اجتماعی داشت.

شیانی و دالوند (۱۳۹۰) به بررسی تطبیقی شهروندی در دانشگاه علامه طباطبایی و دانشگاه آزاد اسلامی پرداختند. نتیجه اینکه شرایط فرهنگی و تعلیم و تربیت بر میزان آگاهی دانشجویان مؤثر است. به طوری که میزان آگاهی از حقوق شهروندی (جنسیتی، مدنی، فرهنگی و اجتماعی) در دانشجویان دانشگاه آزاد کمتر از دانشجویان علامه طباطبایی بود. بیشترین میزان آگاهی در میان دانشجویان هر دو دانشگاه مربوط به حقوق جنسیتی و کمترین آن مربوط به حقوق مدنی است. رسانه‌های جمعی در شکل‌گیری آگاهی اجتماعی نقش داشت و رابطه معناداری بین میزان پیگیری اخبار و وقایع سیاسی و میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان وجود داشت.

محمدی و تبریزی (۱۳۹۰) به میزان آگاهی عمومی به حقوق شهروندی و قوانین جوانان شهرهای ساری پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان داد که میزان آگاهی از حقوق شهروندی در جامعه آماری مورد مطالعه بسیار اندک است و شاخص مذکور با جنسیت و تغییرات سنی شهروندان ارتباطات معناداری داشته و میزان تحصیلات دانشگاهی بر این شاخص تأثیرگذار نبود.

فاطمی‌نیا (۱۳۸۶) پژوهشی در زمینه شهروندی و فرهنگ شهروندی انجام داده است. یافته‌ها نشان داد، شهروندی و فرهنگ شهروندی حاصل تعهد و مسئولیت‌پذیری عوامل مختلف جامعه است و لازمه تحقق آن حرکت دوجانبه مسئولین و مردم است؛ یکی مشارکت‌جویی و فرصت‌دهی ساختار کلان و دیگری فعالیت و مشارکت اجتماعی شهروندان برای حضور گسترده در عرصه جامعه است.

دوچرتی، گودلد و پادیسون^۱ (۲۰۱۶) به تحقیقی کیفی پیرامون فرهنگ مدنی، جامعه و مشارکت شهروندان در محله‌های متضاد شهر پرداختند. نتیجه این شد که مشارکت شهروندان در اثر فرهنگ مدنی، آموزش و حمایت نهادهای سیاسی تقویت می‌شود. مشارکت شهروندان محلات فقیرنشین که سطح تحصیلات کمتری دارند، نسبت به محلاتی که تحصیلات بالاتری دارند، کمتر است. همچنین اعتماد به کارآمدی ساختار سیاسی موجب افزایش مشارکت شهروندان می‌شود.

باررو^۲ (۲۰۱۶) پژوهش تنوع و سیاست فرهنگی: شهروندی فرهنگی به عنوان ابزاری برای دخالت را انجام داد و به این نتیجه رسید که در بحث‌های نوظهور شهروندی فرهنگی، فرهنگ به عنوان کانالی برای تنوع در نظر گرفته می‌شود. سیاست فرهنگی موجب افزایش کارکرد شهروندی می‌شود و زمانی که شهروندی فرهنگی تقویت شود، می‌تواند سیاست‌های اجتماعی را پایه‌گذاری کند.

گود^۳ (۲۰۱۰) در پژوهش شهروندی فرهنگی آنلاین، ارتباط بین شهروندی فرهنگی و رسانه (ایترنت) را مورد مطالعه قرار داد. وی دریافت که مبحث درگیر شدن با مسائل شهروندی فرهنگی فراتر از شکاف دیجیتالی است. شهروندی فرهنگی، تنش‌های فرهنگی و آگاهی فرهنگی باید به شکل آنلاین فراخوانی شوند. نتیجه این شد که ایترنت باید به عنوان یک آرشیو فرهنگی باز در اختیار شهروندان قرار بگیرد تا آنها بتواند به طور آزادانه از آن بهره‌مند گردند.

مبانی نظری

با گسترش شهرها و افزایش جمعیت آنها و تبدیل شدن شهرها به کلان‌شهر، بیش از هر زمان دیگری، پدیده شهروندی اهمیت یافته است و مورد مطالعه اندیشمندان به خصوص جامعه‌شناسان شهری قرار گرفته است. شهروند کسی است که از امور مدنی و سیاسی برخوردار است و وظایفی را برعهده می‌گیرد. اصولاً فردی شهروند محسوب می‌شود که

^۱ Docherty, Goodlad & padison

^۲ Barreo

^۳ Goode

علاوه بر فرمان‌گذاری دولت از حقوق طبیعی و فطری برخوردار باشد و دولت نیز این حقوق را محترم شمرده و از آن حمایت نماید (حیدری، ۱۳۸۹: ۱۳). درعین اینکه شهروند از حقوق اساسی بهره‌مند می‌شود؛ اما این حقوق وظایفی برای شهروندان در قبال سایر شهروندان و دولت برای وی ایجاد می‌کند (بلمی^۱، ۲۰۰۸: ۴۵). رعایت انتظارات نقش شهروندی و اخلاقیات شهروندی می‌تواند گره‌گشای بسیاری از مشکلات شهری، به‌خصوص کشورهای در حال توسعه که با رشد بی‌رویه شهری مواجه‌اند، باشد. شهروندی براساس دامنه و قلمرو آن به شهروندی ملی، منطقه‌ای، جهانی و متحرک دسته‌بندی شده است (منافی، شرف‌آباد و زمانی، ۱۳۹۰: ۳۲۷). از دید هامات و استاهلی^۲ (۲۰۱۱)، شهروندی دارای ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، مدنی و فرهنگی است و شهروند خوب به کسی گفته می‌شود که در همه این ابعاد به وظایف و حقوق خود آشنا باشد و کوشش کند تا وظایف و تکالیف خود را به نحو احسن انجام دهد.

در گذشته مفهوم شهروند دارای بار سیاسی بود و شهروند بیشتر سیاسی تلقی می‌شد تا فرهنگی. درحالی‌که امروزه شهروند علاوه بر این معنا، دارای حق جمعی و عمومی است که شامل حق حفظ هویت و عمل براساس فرهنگ است (کریمی، ۱۳۹۰: ۳۱۷). ورث از جمله جامعه‌شناسان شهری است که به فرهنگ شهری پرداخته و سه عامل حجم، تراکم و ناهمگونی جمعیت را در شکل‌دهی به زندگی فرهنگی در شهر مطرح کرده که هر یک شرایط خاصی برای زندگی در شهر فراهم می‌کند. حجم بزرگ جمعیت و تراکم آن سبب بروز تنوع در ویژگی‌های فرهنگی و شغلی در شهر می‌شود. ورث معتقد است ساکنان شهر یا همان شهروندان به هویت افراد اهمیت نمی‌دهند؛ بلکه مهم کمکی است که افراد می‌توانند به هم بکنند؛ بنابراین روابط افراد غیرشخصی، پیچیده و عقلانی‌تر می‌شود و اساس و پایه آن کسب سود و فایده است (شارع‌پور، ۱۳۹۶: ۱۵۶).

دیدگاه شهروندی فرهنگی از حقوق ویژه افراد جامعه حمایت می‌کند؛ حقوقی که براساس ویژگی‌های متفاوت از نظر رنگ پوست، نژاد، زبان، قومیت و... است. از این

^۱ Bellemy

^۲ Hamatt & Staeheli

منظر شهروند فرهنگی با رویکرد تکثرگرایی فرهنگی سازگار است. چرا که در تکثرگرایی فرهنگی، به ایده‌ها و صداها و صداهای مختلف در جامعه اهمیت داده می‌شود. به عبارت دیگر نژادها، اقلیت‌ها و مذاهب مختلف مورد توجه و احترام واقع می‌شوند (قلتاش، ۱۳۹۱: ۵۷). در پدیده شهروندی فرهنگی، شهروندان مختلف با هر ویژگی که دارند، در یک مجموعه شهری پذیرفته می‌شوند و با حقوق و وظایف خود نسبت به شهروندان دیگر آشنایی دارند. شهروندان قوانین و مقررات شهری و قواعد اجتماعی را رعایت کرده و منافع جمعی بر منافع فردی در نزد آنها اولویت دارد (شربتیان، ۱۳۸۷: ۱۲۳).

تویس^۱ (۱۹۹۷) معتقد است، فرهنگ شهروندی مجموعه‌ای از قوانین و مقررات، و توانمندی‌هایی است که افراد یک جامعه کسب می‌کنند و با رفتار اصلاح شده اعضای جامعه، زمینه رشد و توسعه جامعه فراهم می‌گردد.

از دید ترنر^۲ (۲۰۱۳) شهروندی از حقوق و الزامات اجتماعی است که به واسطه این حقوق شهرنشینان هویت قانونی و رسمی پیدا می‌کنند. حقوق و الزامات اجتماعی ریشه در تاریخ و سیر تکاملی در زندگی اجتماعی انسان دارد و باعث تشکیل نهادهای اجتماعی و رسمی (مانند نظام پارلمانی، نظام قضایی، دولت، احزاب و انجمن‌ها) در جامعه شهری می‌شود. به اعتقاد ترنر شهروندی فرهنگی به مشارکت فرهنگی اعضای جامعه برمی‌گردد و شهروند فرهنگی، فردی است که نسبت به مشارکت امور فرهنگی احساس مسئولیت می‌کند. وی شهروندی را معطوف به نهادهای اجتماعی می‌داند که هر کدام از این نهادها نوع خاصی از الزامات و حقوق شهروندی را دربر دارند که شهروندان ملزم به انجام آن هستند (فتحی و ثابتی، ۱۳۹۱: ۱۷۴). به نظر ترنر، شهروند ادعای بهره‌مندی از منابع مهم ملی (منابع اقتصادی مانند مسکن و درآمد، منابع سیاسی مانند آزادی بیان و منابع فرهنگی مانند تعلیم و تربیت و آموزش را دارد. وی معتقد است آگاهی از حقوق شهروندی در میان اقوام مختلف متفاوت است (شیانی و دالوند، ۱۳۹۰: ۴۳).

1. Tobias

2. Turner

کیمیلیکا^۱ به تبارشناسی اقلیت‌های ملی و گروه‌های قومی درباره شکل‌گیری تنوع فرهنگی پرداخته است؛ اقلیت‌های ملی از در یک ترکیب و ادغام فرهنگ‌های خودمختار در سرزمین معین و با یک دولت متمرکز به‌وجود آمده‌اند. از دید کیمیلیکا اغلب جوامع مدرن دولت-ملت نیستند؛ بلکه به‌دلیل وجود بیش از یک ملت در درون این سرزمین‌ها، آنها دولت چندملیتی به‌حساب می‌آیند. از جمله ویژگی مهم اقلیت‌های ملی این است که این اقلیت‌ها می‌خواهند هویت خودشان به‌عنوان یک جامعه متفاوت در کنار فرهنگ غالب جامعه، حفظ کنند و برای حفظ بقای خود به‌دنبال خودمختاری و کسب استقلال هستند (کیمیلیکا، ۱۹۹۶: ۱۷). گروه‌های قومی در اثر مهاجرت شکل می‌گیرند. یکی از مسائل مهاجران در کلان‌شهرها که با آن درگیرند، سازگاری اجتماعی و فرهنگی در جامعه مقصد و پذیرش فرهنگ جامعه مقصد است (صفاریان و مرادی، ۱۴۰۱: ۶۵). از ویژگی مهم این گروه‌ها این است که آنها می‌خواهند در جامعه بزرگ‌تری که عضویت آن را به‌طور کامل قبول کرده‌اند، ترکیب و ادغام شوند به‌شرط اینکه هویت قومی آنها به رسمیت شناخته شود و سعی می‌کنند که به هم‌سازی فرهنگی برسند. کیمیلیکا به‌جای استفاده از واژه «چندفرهنگی» از واژه‌های «چندملیتی» و «چندقومی» استفاده می‌کند. در مورد دولت چندفرهنگی نیز معتقد است که اعضای آن یا از ملت‌های مختلف تشکیل شده‌اند و یا از سرزمین‌های دیگر به آنجا مهاجرت کرده‌اند. کیمیلیکا در نظریه چندفرهنگی اهمیت فرهنگ را برای احساس و هویت فرد به رسمیت می‌شناسد. وی معتقد است فرهنگ ملی برای شهروندی اهمیت ویژه‌ای دارد و دولت باید از تمام فرهنگ‌های قومی حمایت کند و حقوق مشترک اقلیت‌ها را به رسمیت بشناسد (کیمیلیکا، ۱۹۹۶: ۱۷). بر اساس نظریه فیشر^۲ فضای شهر محیط مناسبی برای رشد، تمایز و تعامل بین گروه‌های مختلف مردم که منافع و مشترکی دارند، فراهم می‌کند. برخی از اعضای گروه‌های قومی، افراد دارای علائق خاص هستند. به تعبیر فیشر هر چقدر یک مکان شهری تر باشد، تنوع فرهنگی در آن بیشتر خواهد بود. وجود جمعیت زیاد در شهرها به

^۱. Kymilicka

^۲. Fisher

افراد دارای منافع مشترک، این امکان را می‌دهد تا بتوانند انسان‌های هم‌فکر خود را بیابند و روابط اجتماعی مثبتی برای تعقیب این منافع برقرار کنند (شارع‌پور، ۱۳۹۶: ۲۰۰-۲۰۱).

مدیران شهری به‌خصوص در کلان‌شهرها موظفند تا با سازوکارهای قانونی، شهروندان را ملزم به رعایت منافع یکدیگر و به عبارتی اخلاق شهروندی نمایند. در این رابطه، برنامه‌ریزان و کارشناسان مدیریت شهری، در مرحله اول باید در صدد آگاهی دادن به شهروندان نسبت به حقوق و تکالیف‌شان اقدام کنند و بعد از مرحله آگاهی بتوانند آن را نهادینه یا به‌عبارتی درونی کنند. علاوه‌براین باید شرایطی را با استفاده از برنامه‌ریزی-های اجتماعی و فرهنگی فراهم کنند که شهروندان در موقعیت‌های گوناگون از حقوق شهروندی بهره‌مند شوند و در مقابل به تکالیفی که نسبت به مدیریت شهری و شهروندان دیگر دارند، عمل کنند. در واقع این همان انتظارات نقش شهروندی است که باعث تعامل بین کنشگران شهری شده و روابط شهری متعادلی به‌وجود می‌آید. این فرآیند اهمیت زیادی در توسعه شهری دارد (بخارایی، ۱۳۹۷: ۱۹۰).

دورکیم^۱ در بحث جامعه‌شناسی شهری معتقد است جوامع جدید (شهری) مبتنی بر همبستگی ارگانیکی است که دارای تقسیم کار پیچیده‌ای است، به‌خاطر تراکم جمعیت مشاغل تخصصی شده‌اند و شهروندان برای رفع نیازهای خود به دیگران وابسته‌اند و لذا تعامل بین کنشگران شهری براساس نظم ابزاری ایجاد شده است (شارع‌پور، ۱۳۹۶: ۱۱۴).

زیمل^۲ به تجربه زندگی شهری در عصر جدید پرداخت. وی در مقاله «کلان‌شهر و حیات ذهنی» در جستجوی درک این موضوع بود که تجربه زندگی در شهر چه تأثیری بر نحوه تفکر و رفتار مردم دارد. او معتقد بود که دو ویژگی مهم در حیات شهری بر تفکر و رفتار مردم ساکن در شهر مؤثر است: ۱- شدت محرک‌های مربوط به اعصاب یا تهییج. ۲- حاکمیت آثار بازار بر روابط شهری. ویژگی خاص شهر مدرن این است که

^۱ Durkheim

^۲ Zimmel

محرك‌های عصبی به شدت تشدید می‌شوند و ساکنان شهر باید بتوانند بر آن غالب شوند و به محرك‌های مهم توجه کرده و نسبت به محرك‌های غیرمهم بی‌اعتنا باشند. مردم شهر در مقایسه با مردم روستا پیچیده‌تر، عقلانی‌تر و محاسبه‌گراترند. به اعتقاد زیمل، کلان‌شهر تجلی‌گاه بالاترین تقسیم کار و اقتصاد پولی است؛ اقتصادی که با عقلانیت و حسابگری و وقت‌شناسی و دقت ارتباط نزدیکی دارد. در کلان‌شهرها، تقسیم کار فرصتی برای بروز تفاوت‌های فراوان بین افراد پدید می‌آورد و هر چه حجم گروه بیشتر شود، آزادی فردی در آن بیشتر می‌شود. زیمل به این نتیجه می‌رسد که تنفر و حسابگری ویژگی خاص زندگی در کلان‌شهر است و در این محیط، شهروندان نمی‌توانند نسبت به هم خیلی حساس و نگران باشند. به تعبیر زیمل به‌جای قلب خویش با سر خویش نسبت به مسائل و رویدادها واکنش نشان می‌دهد (همان: ۱۲۳-۱۲۵).

یانگ^۱ (۱۹۸۹) نظریه‌های شهری خود را بر نقد نظریه شهروندی رادیکال بنا می‌کند. وی دو مفهوم را مطرح کرده که موجب خدشه‌دار شدن رهایی‌بخشی شهروندی می‌شود. مفهوم اول، «عمومیت» است که بر مبنای آن شهروندان باید در خیر مشترک توافق داشته باشند و تفاوت‌های خود را نادیده بگیرند. مفهوم دوم «یکسانی» است که بر مبنای آن قوانین و مقررات فارغ از میزان تاثیرش بر افراد و گروه‌های اجتماعی، باید به‌طور یکسان بر همه اعمال شود. در این مفهوم، قوانین از تفاوت‌های فردی و گروهی صرف‌نظر می‌کند. یانگ این دو مفهوم را عامل طرد، محرومیت و سرکوبی برخی از گروه‌های اجتماعی مانند زنان می‌داند. به همین دلیل است که شهروندی عمومی را در معنای خیر همگانی توسط همه شهروندان و شهروندی متحدالشکل را در معنای رفتار همسان با تمامی شهروندان زیر سؤال می‌برد و آن را برای مشارکت اجتماعی کامل همه گروه‌ها قبول ندارد. این دو مفهوم شهروندی از یک‌طرف مستلزم همسان‌سازی یا جذب فرهنگی است و از طرف دیگر سرکوب و طرد تفاوت‌های فرهنگی است. در مقابل؛ مشارکت کامل و هم‌جانبه گروه‌های شهروندی در زندگی اجتماعی - سیاسی، پذیرفتن شهروندی متمایز یا به‌عبارتی اعطای حقوق خاص به گروه‌های اجتماعی و فرهنگی مختلف است.

^۱ Young

گروه‌های مختلف علاوه بر اینکه هویت‌های متفاوت خودشان را حفظ می‌کنند، باید مشارکت اجتماعی نیز داشته باشند (فالکس^۱، ۲۰۱۱: ۱۱۶).

از دید کانت، شهروند به معنی واقعی و فعال کسی است که در امور اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و حتی در اداره شهر خود مشارکت داشته باشد. مشارکت یکی از ابعاد سرمایه فرهنگی است که در سال ۱۹۶۰ توسط بوردیو^۲ مطرح شد. سرمایه فرهنگی از دانش‌ها، کاربردها و قابلیت‌هایی تشکیل شده است که به فرد کمک می‌کند تا شأنیت بالاتری را در جامعه کسب کند (نیازی و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۸). بوردیو از کارکردهای سرمایه فرهنگی به حفظ و نگهداری موقعیت یا تغییر موقعیت افراد در سلسله‌مراتب ساختارهای اجتماعی توجه می‌کند که در سبک زندگی افراد مؤثر است. به اعتقاد بوردیو سرمایه دارای اشکال مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. کسب مشروعیت از طریق سرمایه‌های دیگر منوط به تبدیل آن به سرمایه فرهنگی است (نقی‌زاده، و ساروخانی، ۱۳۹۹: ۶۸). سرمایه فرهنگی سه بعد اصلی دارد: ۱- تجسم‌یافته (ذهنی)؛ گرایش‌ها و تمایلات فرد را نسبت به استفاده از میزان کالاهای فرهنگی نشان می‌دهد. ۲- عینی؛ میزان مصرف فرهنگی فرد را نشان می‌دهد. ۳- نهادی؛ مربوط به مدارک و مدارج تحصیلی، علمی و فرهنگی فرد می‌شود (علی‌محمدی خانقاه و عزیززاده اقدم، ۱۳۹۸: ۷۴؛ شارع‌پور خوش‌فر، ۱۳۸۱: ۱۳۴).

پوپر^۳، در فرهنگ شهروندی بر مفهوم هویت مدنی تأکید می‌کند. به اعتقاد پوپر، در جامعه مدنی شهروند کسی است که دارای آزادی و اختیار است. تنها در جمع زندگی کردن فرد مهم نیست بلکه شهروند بودن وی مهم است که با دیگران در تعامل است و این تعامل اشکال متنوعی دارد. در جوامع که شهروندان از کلیه حقوق شهروندی محروم شوند، حق نافرمانی در جامعه پیدا می‌کنند. البته این مسئله به این معنا نیست که اصول جامعه مدنی نقض شود. از دید پوپر، فرهنگ شهروندی از شهرنشینی فاصله گرفته و احساس خاصی را در جامعه برای شهروندان ایجاد کرده است. احساس شهروندی به

1. Falex

2. Bourdieu

3. Poper

خودی خود و با جمع‌شدن افراد در کنار هم به‌جود نمی‌آید، بلکه این وظیفه نهادها، متکفل است که این احساس را ایجاد کنند؛ نهادهایی مانند رسانه‌ها، تأمین اجتماعی، انتخابات و مالیات توانایی ایجاد این احساس و هویت را دارند. این نهادها در جامعه سنتی و درحال‌گذار از سنت به مدرنیته برای چنین هدفی ضرورت دارند. پوپر علاوه بر برنامه‌ریزی فرهنگی - اجتماعی به تقویت و گسترش فضای جامعه مدنی اشاره می‌کند و منظورش این است که مدیریت شهری جهت بسط و تحکیم فرهنگ شهروندی، فضاهای فرهنگی و اجتماعی دیگری در کنار حوزه آموزشی مانند آموزش و پرورش و خانواده در شهر ایجاد کرده است. کارکرد اساسی فضاهای فرهنگی و اجتماعی، آموزش فرهنگ شهروندی و شهروندی است که پیوسته شهروندان را با ابعاد گوناگون حقوق شهروندی آشنا کند تا ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی شهر در ذهن شهروندان نهادینه شود (فتحی و ثابتی، ۱۳۹۱: ۱۷۷-۱۷۹). ژانوسکی^۱ (۱۹۹۸) بر حقوق و مسئولیت‌های شهروندی تأکید دارد و معتقد است که حقوق برای اجرایی‌شدن به تعهدات نیاز دارد و اگر اجرا نشوند انگار که وجود نداشته‌اند؛ بنابراین باید بسته‌های حقوقی با بسته‌های متناظر با تعهدات شهروندی (اجتماعی، سیاسی، قانونی و مشارکتی) توضیح داده شوند (ملاپور، ۱۳۹۱: ۶۲). براساس نظریات فوق، سرمایه فرهنگی می‌تواند بر فرهنگ شهروندی اثرگذار باشد. به‌نحوی که با بالا رفتن سرمایه نهادی و عینی، آگاهی شهروندان افزایش یافته و برای اجرای تعهدات شهروندی تمایل زیادی از خود نشان می‌دهند. همچنین با افزایش آگاهی شهروندان از حقوق‌شان و آمادگی برای انجام تعهدات، چنین به‌نظر می‌رسد که شهروندان تمایل زیادی برای پذیرش تنوع فرهنگی و گرایش‌های فرهنگی داشته باشند. بر این اساس فرضیه‌های زیر برای پژوهش مطرح می‌شوند:

- بین سرمایه فرهنگی و فرهنگ شهروندی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین شهروندی فرهنگی و فرهنگ شهروندی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین شهروندی فرهنگی و سرمایه فرهنگی رابطه معناداری وجود دارد.

^۱. Janoski

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی و با هدف کاربردی، به روش پیمایشی انجام شد. جامعه آماری کلیه زنان و مردان ۱۵ تا ۶۵ ساله ساکن شهر کرج بودند که براساس مرکز آمار ایران در سال ۱۴۰۱ حدود یک میلیون و هفتصد هزار نفر جمعیت داشت و در حال حاضر چهارمین کلان‌شهر کشور محسوب می‌شود. براساس فرمول کوکران حجم نمونه ۳۸۴ نفر به دست آمد که نمونه‌ها در سال ۱۴۰۱ از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای بدین ترتیب انتخاب شدند که ابتدا ۴ منطقه (۱، ۴، ۷ و ۱۰) از مناطق ۱۱ گانه شهر کرج با توجه به موقعیت جغرافیایی و فرهنگی در نظر گرفته شد. از منطقه ۱ محله عظیمیه، از منطقه ۴ شهرک ولی‌عصر، از منطقه ۷ محله کوی قائم و از منطقه ۱۰ محله منظریه و به تناسب جمعیت مناطق ۴ گانه و محله هر منطقه، افرادی به صورت تصادفی برای گردآوری داده‌ها انتخاب شدند. جهت گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه استفاده شد. با توجه به مبانی نظری پیرامون متغیرهای پژوهش مولفه‌های آنها (جدول ۱) تعیین شدند. برای سنجش سرمایه فرهنگی از پرسش‌نامه استاندارد بوردیو و برای سنجش فرهنگ شهروندی و شهروندی فرهنگی از پرسش‌نامه محقق ساخته و با طیف لیکرت استفاده شد. پرسش‌نامه‌ها به صورت کتبی پر شد و در مواردی که پاسخ‌گویان سواد کافی نداشتند، سؤالات به صورت شفاهی پرسیده شد و در پرسش‌نامه وارد گردید. پرسش‌نامه حاوی سؤالاتی جمعیتی و متغیرهای اصلی بود. سه متغیر اصلی پژوهش با مولفه‌های مورد سنجش و تعداد سؤالات در آمده است.

جدول ۱: مولفه‌های متغیرهای اصلی پژوهش

متغیرها	تعداد مؤلفه	تعداد سؤال
شهروندی فرهنگی	مشارکت	۶
	پذیرش تنوع فرهنگی	۷
	گرایش‌های فرهنگی	۵
فرهنگ شهروندی	آگاهی از حقوق شهروندی	۱۹
	تمایل به انجام تعهدات	۶

۶	تجسم‌یافته / ذهنی	سرمایه فرهنگی
۲	عینیت یافته	
۸	نهادی شده	

برای اعتبار ابزار تحقیق از روش روایی صوری و برای پایایی با ۳۰ پرسش‌نامه ضریب آلفای کرنباخ محاسبه گردید و گویه‌های نامناسب حذف و پرسش‌نامه اصلاح گردید و دوباره ضریب آلفا (جدول ۲) محاسبه شد. ضریب آلفای اندازه‌گیری شده بیش از ۰/۷۰ شد که قابل قبول است.

جدول ۲: آزمون آلفای کرنباخ

متغیرها	تعداد گویه‌ها	ضریب آلفا
شهروندی فرهنگی	۱۸	۰/۸۸
فرهنگ شهروندی	۲۵	۰/۸۱
سرمایه فرهنگی	۱۶	۰/۷۸

برای آزمون فرضیه‌ها ابتدا نرمال بودن متغیرها با استفاده از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف (جدول ۳) سنجیده شد.

جدول ۳: آزمون نرمالیته داده‌ها

متغیرها	s - k	sig
شهروندی فرهنگی	۰/۹۱	۰/۸۳
فرهنگ شهروندی	۰/۷۸	۰/۳۲
سرمایه فرهنگی	۰/۹۴	۰/۰۹۶

مقادیر محاسبه شده برای هر سه متغیر بیش از ۰/۰۵ شد و نشان داد که متغیرها در سطح نرمال هستند. با توجه به نرمال بودن متغیرهای پژوهش، تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق آزمون‌های پیرسون و رگرسیون چندمتغیره و با نرم‌افزار SPSS انجام شد.

یافته‌های پژوهش

توصیف داده‌های جمعیتی در بین افراد نمونه نشان داد که از مجموع ۳۸۴ نفر، ۶۶ درصد از پاسخ‌گویان مرد و ۴۴ درصد زن بودند. بیشترین پاسخ‌گویان با ۵۴ درصد بین سنین ۲۶ تا ۳۵ ساله بودند و کمترین آنها با ۵/۸ درصد بین سنین ۵۶ تا ۶۵ ساله بودند. از نظر وضعیت تاهل، ۴۳ درصد مجرد و ۵۷ درصد متاهل بودند. از نظر وضعیت اشتغال، ۷۶ درصد شاغل و بقیه محصل و دانشجو یا خانه‌دار و بیکار بودند. مردان ۸۶/۳ و زنان ۶۳/۳ درصد شاغل بودند. از نظر وضعیت تحصیل، بیشترین نمونه آماری دارای لیسانس و درجه بعدی دیپلم بودند. سه متغیرهای اصلی پژوهش به همراه گویه‌های مربوطه در قالب طیف لیکرت سنجیده شد (جدول ۴) و فراوانی پاسخ‌ها استخراج گردید.

جدول ۴: توزیع فراوانی متغیرهای اصلی پژوهش برحسب پاسخ‌ها

شهروندی فرهنگی		فرهنگ شهروندی		سرمایه فرهنگی		متغیر
درصد	تعداد	درصد	تعداد	تعداد	تعداد	
۲/۱	۸	۱/۳	۵	۳۸	۳۸	خیلی کم
۶/۳	۲۴	۱۳/۱	۵۰	۱۰۳	۱۰۳	کم
۲۴	۹۲	۵۲/۶	۲۰۲	۱۲۰	۱۲۰	تا حدودی
۲۷/۱	۱۰۴	۲۲/۶	۸۷	۸۳	۸۳	زیاد
۴۰/۶	۱۵۶	۱۰/۴	۴۰	۵۰	۵۰	خیلی زیاد
۱۰۰	۳۸۴	۱۰۰	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	جمع

چنان‌که مشاهده می‌شود؛ سرمایه فرهنگی ۱۴۱ نفر پاسخ‌گویان خیلی کم و کم، (۳۴ درصد)، ۳۱/۳ درصد تا حدودی و ۱۳۳ نفر خیلی زیاد و زیاد (۵۴/۷ درصد) است. فرهنگ شهروندی ۵۵ نفر از پاسخ‌گویان (۱۴/۴ درصد) خیلی کم و کم و ۵۲/۶ درصد تا حدودی است، ۱۲۷ نفر از (۳۳ درصد) خیلی زیاد و زیاد است. شهروندی فرهنگی ۳۲ نفر از پاسخ‌گویان (۸/۴ درصد) خیلی کم و کم و ۲۴ درصد تا حدودی است، درحالی‌که

۲۶۰ نفر (۶۷/۷ درصد) زیاد و خیلی زیاد است. در ادامه شاخص میانگین و انحراف معیار سه متغیر اصلی پژوهش مقایسه (جدول ۵) شده است.

جدول ۵: آماره‌های متغیرهای اصلی پژوهش

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار
سرمایه فرهنگی	۳۸۴	۷۶/۴	۱۶/۳۵
فرهنگ شهروندی	۳۸۴	۸۴/۳	۱۹/۶۲
شهروندی فرهنگی	۳۸۴	۹۲/۱	۱۸/۴۲

میانگین سرمایه فرهنگی ۷۶/۴ و انحراف معیار ۱۶/۳۵ شد که نشان از سرمایه فرهنگی نسبتاً خوب شهروندان کرجی است. فرهنگ شهروندی با میانگین ۸۴/۳ و انحراف معیار ۱۹/۶ نشان داد که شهروندان کرجی از فرهنگ شهروندی خوبی برخوردارند. شهروندی فرهنگی با میانگین ۹۲/۱ و انحراف معیار ۱۸/۴ نیز نشان داد که شهروندان کرجی، شهروندی فرهنگی بالایی دارند که نشان می‌دهد ساکنین شهر کرج به‌رغم قومیت‌های مختلف در کنار هم زندگی مسالمت‌آمیزی دارند.

آزمون فرضیه‌ها

برای همبستگی بین متغیرهای پژوهش از آزمون پیرسون و برای تأثیر متغیر مستقل بر وابسته از رگرسیون چندمتغیره استفاده شد.

جدول ۶: آزمون رابطه بین سرمایه فرهنگی و فرهنگ شهروندی

آزمون	تعداد	شدت رابطه	سطح معنی‌داری
پیرسون	۳۸۴	۰/۲۲۸	۰/۰۰۱

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، رابطه مثبت و معناداری بین سرمایه فرهنگی و فرهنگ شهروندی وجود دارد. این فرضیه تأیید شد اما با توجه به پایین بودن شدت رابطه بین دو متغیر که ۰/۲۲۸ است، همبستگی بین آنها ضعیف است. یعنی با افزایش سرمایه فرهنگی شهروندان به مقدار کمی فرهنگ شهروندی تغییر خواهد کرد. این نتیجه نشان داد که

سرمایه فرهنگی با مؤلفه‌های عینیت‌یافته و نهادی‌شده پاسخ‌گویان موجب می‌شود تا تغییرات اندکی در فرهنگ شهروندی آنها ایجاد شود.

جدول ۷: آزمون رابطه بین شهروندی فرهنگی و فرهنگ شهروندی

آزمون	تعداد	شدت رابطه	سطح معنی‌داری
پیرسون	۳۸۴	۰/۶۱۱	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج بدست‌آمده، بین فرهنگ شهروندی و فرهنگ شهروندی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این فرضیه مورد تأیید است. شدت رابطه بین دو متغیر ۰/۶۱۱ است که نشان‌دهنده همبستگی نسبتاً خوبی بین دو متغیر است. بنابراین با افزایش میزان فرهنگ شهروندی افراد که شامل آگاهی از حقوق شهروندی و تمایل به اجرای تعهدات شهروندی است، میزان شهروندی فرهنگی آنان نیز افزایش می‌یابد.

جدول ۸: آزمون رابطه بین شهروندی فرهنگی و سرمایه فرهنگی

آزمون	تعداد	شدت رابطه	سطح معنی‌داری
همبستگی پیرسون	۳۸۴	-۰/۳۶۰	۰/۶۷۹

و با توجه به نتایج بدست‌آمده، رابطه معناداری بین سرمایه فرهنگی و شهروندی فرهنگی دیده نشد؛ لذا این فرضیه تأیید نگردید و اگر سرمایه فرهنگی افزایش پیدا کند، تغییری در شهروندی فرهنگی ایجاد نخواهد شد. استفاده‌کردن از کالاهای فرهنگی از جمله اینترنت، ماهواره، شبکه‌های اجتماعی، تلویزیون، رادیو، مجلات و کتاب در قالب سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته و سطح تحصیلات پاسخ‌گویان تحت عنوان سرمایه نهادی‌شده تغییری در شهروندی فرهنگی ایجاد نخواهد کرد.

آزمون فرضیه‌ها و نتایج حاصل از آزمون پیرسون رابطه بین متغیرها را نشان داد اما برای میزان تأثیر متغیر مستقل بر وابسته باید از رگرسیون چندمتغیره استفاده کرد. برای آزمون رگرسیون بین دو متغیر سرمایه فرهنگی و شهروندی فرهنگی صرف‌نظر شد زیرا رابطه‌ای بین این دو متغیر وجود نداشت و رگرسیون بین دو متغیر فرهنگ شهروندی و فرهنگ شهروندی (جدول ۹) انجام شد.

جدول ۹: آزمون رگرسیون فرهنگ شهروندی با متغیر وابسته شهروندی فرهنگی

تعداد مدل	ضریب همبستگی (R)	ضریب تعیین R2	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد	سطح معنی‌داری
۱	^a ۰/۴۹۷	۰/۲۱۶	۰/۲۰۳	۱/۶۴۰۸۱	۰/۰۰۰

نتیجه رگرسیون نشان داد که ضریب همبستگی (R) به‌دست آمده ۰/۴۹۷ شده است. با توجه به اینکه سطح معناداری ۰/۰۰۰ است، بیانگر همبستگی بین دو متغیر فرهنگ شهروندی و شهروندی فرهنگی است. ضریب R2 میزان تغییرات متغیر مستقل و متغیر وابسته و تبیین واریانس را نشان می‌دهد که ۰/۲۱۶ شده است. در نتیجه متغیر مستقل در تبیین واریانس متغیر وابسته نقش ضعیفی دارد. ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۲۰۳ شده است که بیانگر این است که با تغییر یک واحد متغیر مستقل فرهنگ شهروندی، شهروندی فرهنگی به‌عنوان متغیر وابسته به مقدار ۰/۲۰۳ تغییر خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

سبک زندگی و روابط بین شهروندان تحت تأثیر عواملی از جمله فرهنگ شهروندی سامان‌دهی می‌شود. نتایج حاصل از انجام این تحقیق نشان داد که شهروندان کرجی از فرهنگ شهروندی نسبتاً خوبی برخوردارند. این نتیجه بر این نکته اشاره دارد که جامعه مورد مطالعه ارزش‌ها، هنجارها و قوانین مشترکی دارند و در رعایت این موارد می‌کوشند. احساس تعلق به جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، دارند و احساس تعهد نسبت به سایر شهروندان دارند و تا حدی حقوق شهروندی را رعایت می‌کنند. با توجه به اینکه سبک زندگی و نوع تعامل شهروندان با هم متأثر از فرهنگ شهروندی است، لذا فرهنگ شهروندی بر گرایش‌های فرهنگی، مشارکت اجتماعی، پذیرش تفاوت‌ها یعنی بر شهروندی فرهنگی اثرگذار است.

شهروندانی که در یک مجموعه شهری (شهر کرج) با تفاوت‌های فرهنگی مانند ویژگی‌های قومی، نژادی، زبانی و... متفاوت در کنار هم زندگی می‌کنند، تا حدی از

حقوق و وظایف شهروندی خود مطلع هستند و انتظار دارند تا از حقوق ویژه آنها حمایت شود و نیازهای متفاوتی که حاصل تفاوت‌های فردی است، مورد توجه قرار بگیرد. در مقابل این شهروندان احساس مسئولیت نسبت به جامعه و اجتماعات درون آن دارند و در انجمن‌های موجود در آن مشارکت کرده و با دستگاه‌های اجرایی همکاری می‌کنند. آنها زندگی مسالمت‌آمیزی با اقلیت‌های قومی و مدنی دارند و دیگر شهروندانی که تفاوت فرهنگی با آنها دارند را طرد یا تحقیر نمی‌کنند. نتیجه اینکه ارتقای سطح فرهنگ شهروندی می‌تواند تأثیر مثبتی بر شهروندی فرهنگی داشته باشد.

در تبیین نتایج این پژوهش با نظریه‌ها و مقایسه نتایج با سایر پژوهش‌ها می‌توان چنین برداشت کرد؛ در تبیین نتیجه پژوهش حاضر با نظریه ترنر، شرایط فرهنگی و تعلیم و تربیت و آموزش بر میزان آگاهی شهروندان تأثیر دارد که در مقایسه با تحقیق شیانی و دالوند (۱۳۹۰) همسو است اما با پژوهش نوری و گل‌پرور همسو نیست. هرچند در تحقیق نوری و گل‌پرور جامعه آماری فقط زنان بودند، در حالی که در این پژوهش هم زنان و هم مردان به‌عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شدند.

نتیجه دیگر پژوهش رابطه دو متغیر شهروندی فرهنگی با فرهنگ شهروندی بود که نتیجه رگرسیون نشان داد فرهنگ شهروندی ۰/۲۰۳ از تأثیرات شهروندی فرهنگی را تبیین می‌کند و مابقی توسط سایر عوامل تبیین می‌شود. نتیجه این پژوهش با تحقیق کبیری (۱۳۹۰) مطابقت دارد. در این رابطه بردیو معتقد است ضعف عملکرد شهروندان در جامعه در اثر سرمایه فرهنگی پایین است که موجب کاهش فرهنگ شهروندی آنها می‌شود. به اعتقاد زیمل نیز کلان‌شهر تجلی‌گاه اقتصاد پولی است و عقلانیت و حسابداری عملکرد شهروندان را تعیین می‌کند و همچنین ساکنان شهر مدرن باید بتوانند بر محرک‌های عصبی غالب شوند یعنی محرک‌های مهم را در اولویت قرار داده و نسبت به محرک‌های غیرمهم بی‌اعتنا باشند.

براساس یافته‌های پژوهش حاضر میانگین سرمایه فرهنگی شهروندان در کلان‌شهر کرج، نسبتاً خوب بود. این نتیجه برخلاف نظریه بردیو است؛ وی معتقد به رابطه متقابل بین پدیده‌های ذهنی و ساختارهای عینی است. در مورد شهروندان کرجی افکار قالبی و

ذهنیات آنها همسو با کنش‌ها و عملکرد روزانه‌شان نیست و الزامات ساختاری جامعه، کنش‌های شهروندان را تعیین می‌کند. این نتیجه را می‌توان چنین تبیین کرد که شهروندان کرج تقریباً از اقصی‌نقاط ایران گرد هم آمده‌اند و در همسایگی هم زندگی می‌کنند، آنها باورهای ذهنی خود را به‌خاطر روابط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که با یکدیگر دارند کنار گذاشته و یا به نفع روابط عینی در نهم‌خانه ذهن خود بایگانی کرده‌اند و شهروندان متفاوت با خود را در یک مجموعه به نام شهر کرج پذیرفته‌اند. در این رابطه ژانوسکی نیز بر حقوق و مسئولیت‌های شهروندی تأکید می‌کند که فرهنگ شهروندی را شکل می‌دهد و عدم توجه به این حقوق و مسئولیت‌ها، شهروندی فرهنگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. دورکیم نیز معتقد است شهروندان برای رفع نیازهای خود به دیگران وابسته‌اند و لذا تعامل بین کنشگران شهری براساس نظم ابزاری انجام می‌شود. براساس نظریه ورث نیز قابل‌تبیین است که معتقد است روابط افراد در شهرها غیرشخصی، پیچیده‌تر و عقلانی‌تر می‌شود و اساس و پایه آن کسب سود و فایده است.

یانگ و کمیلیکا پیرامون شهروندی فرهنگی معتقدند، اقلیت‌های قومی برای حفظ فرهنگ خود باید حقوق خاصی داشته باشند و از بتوانند از مزیت‌های شهری استفاده کنند. هر قدر آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی بیشتر باشد و تمایل به انجام تعهدات خود باشند، تنوع فرهنگی مانند تنوع مذهبی، تنوع زبانی، تنوع قومی و... راحت‌تر می‌پذیرند. اما اگر میزان آگاهی از این حقوق کم باشد و در انجام تعهداتی تمایل کمتری داشته باشند، به لحاظ ذهنی گرایش فرهنگی پایینی دارند. البته نتایج این پژوهش نشان داد که شهروندان کرجی از شهروندی فرهنگی نسبتاً بالایی برخوردارند. هرچند مجموعه‌ای از عوامل بر این پدیده اثرگذار است و برای بالابردن سطح شهروندی فرهنگی باید تمام موارد را در نظر گرفت. فرهنگ شهروندی در مقایسه با یافته‌های پژوهش شیانی و دالوند (۱۳۹۰) و کبیری (۱۳۹۳) همسو بود. نتیجه اینکه با ایجاد شرایط مناسب برای استفاده از کالاهای فرهنگی و بالابردن سطح سواد و افزایش تحصیلات، فرهنگ شهروندی نیز تغییر خواهد کرد. همچنین با برگزاری کارگاه‌های آموزشی جهت

افزایش آگاهی از حقوق شهروندی و گسترش رسانه‌ها و اطلاع‌رسانی از این طریق، می‌توان تمایل شهروندان را نسبت به تعهدات شهروندی خود افزایش داد.

نتیجه فرضیه سوم این شد که سرمایه فرهنگی رابطه‌ای با شهروندی فرهنگی نداشت و لذا نیازی هم به انجام رگرسیون نبود زیرا وقتی رابطه وجود نداشته باشد، تأثیرپذیری نیز نخواهد داشت. در واقع میزان تحصیلات و استفاده از کالاهای فرهنگی اثری بر گرایش‌های فرهنگی، پذیرش تنوع فرهنگی و مشارکت شهروندان نداشت. این یافته با تحقیقات محمدی و تبریزی (۱۳۹۰) و کبیری (۱۳۹۳) همسو بود. در تبیین این فرضیه، از دید بوردیو مدارج علمی و مدارک علمی و فرهنگی فرد (بعد نهادی)، میزان مصرف کالاهای فرهنگی (بعد عینیت‌یافته) و گرایش‌ها و تمایلات ذهنی فرد نسبت به استفاده از کالاهای فرهنگی (بعد ذهنی/ تجسم‌یافته) در افزایش سرمایه فرهنگی فرد مؤثر است. درحالی‌که در پژوهش حاضر نتیجه‌ای متفاوت با این نظریه به دست آمد. در تبیین آن می‌توان گفت بیشتر شهروندان کرجی مهاجر هستند و به لحاظ فرهنگی تفاوت‌های زیادی با هم دارند اما علی‌رغم این تفاوت‌های فرهنگی مجبور به زندگی در آن شهر هستند و شهروند فرهنگی نسبتاً خوبی هم هستند و حقوق همدیگر را رعایت و شاید هم یکدیگر را تحمل می‌کنند.

منابع

- احمدپور، احمد، مرادپور، نبی و حاتمی‌نژاد، حسین. (۱۳۹۰). «بررسی تأثیر ابعاد کالبدی- فضایی بر پیاده‌مداری در شهر تهران (نمونه موردی: محلات امیرآباد و دانشگاه تهران)»، تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، شماره ۵۱، صص ۸۱-۱۰۲.
- احمدی، یعقوب و مرادی، سالار. (۱۳۹۶). «سرمایه اجتماعی (آنلاین و آفلاین) و فرهنگ شهروندی»، فصلنامه علوم اجتماعی، سال ۲۷، شماره ۸۱، صص ۱۰۱-۱۳۳.
- استیونسون، نیک. (۲۰۱۳). شهروندی فرهنگی، مسائل جهانی، افشین خاکباز، تهران: انتشارات تیسرا.

- آذین، احمد. (۱۳۹۶). «بررسی نقش سرمایه اجتماعی در پایداری به فرهنگ شهروندی در بین شهروندان شهر اصفهان»، *مطالعات جامعه‌شناسی شهری*، دوره ۷، شماره ۲۴، صص ۱۰۳-۱۳۲.
- باقریان، امیر. (۱۳۹۰). «رسانه‌ها، زندگی شهری و حقوق شهروندی»، مجموعه مقالات سمینار رسانه و آموزش شهروندی، تهران: اداره کل آموزش‌های شهروندی، صص ۳۷-۶۳.
- بخارایی، احمد، شریتیان، محمدحسن و کبیری. (۱۳۹۶). «تحلیل جامعه‌شناختی وضعیت شهروندی فرهنگی (مطالعه موردی: شهروندان تنکابن)»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، دوره ۲۸، شماره ۲، صص ۱۷۹-۲۱۶.
- توانا، محمدعلی. (۲۰۱۱). «برابری جنسیتی در نظریه شهروندی متمایز آیریس ماریون یانگ، زنان در توسعه و سیاست»، دوره ۹، شماره ۴، صص ۲۷-۴۲.
- حاجی محمدی، علی. (۱۳۸۹). «رسانه ملی و شکل‌دهی به الگوی بهینه مصرف شهروندان در مسائل شهری: اتخاذ یک مدل نظری» *پژوهش‌های ارتباطی*، سال ۱۷، شماره ۲، صص ۵۱-۸۲.
- حیدری، یحیی. (۱۳۸۹). «تبیین وضعیت شهروندی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در شهر زنجان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه پیام نور.
- شارع‌پور، محمود و خوشفر، غلامرضا. (۱۳۸۱). «رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان. مطالعه موردی شهر تهران»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۰، صص ۱۳۳-۱۴۷۳.
- شارع‌پور، محمود. (۱۳۹۶). *جامعه‌شناسی شهری*، تهران: انتشارات سمت.
- شیانی، ملیحه و طاهره دالوند. (۱۳۹۰). «بررسی تطبیقی شهروندی در دانشگاه علامه طباطبایی و دانشگاه آزاد اسلامی»، *جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۱۲، شماره ۳، صص ۳۷-۶۲.
- صفاریان، محسن و مرادی، علی. (۱۴۰۱). «عوامل مرتبط با سازگاری اجتماعی و فرهنگی مهاجران در محیط‌های شهری با استفاده از روش فراتحلیل تحقیقات انجام شده»، *مطالعات جامعه‌شناسی شهری*، سال ۱۲، شماره ۴۳، صص ۶۵-۹۸.

- علی‌محمدی خانقاه، آذر و علیزاده اقدم، محمدباقر. (۱۳۹۸). «بررسی رابطه بین سرمایه فرهنگی با بیگانگی اجتماعی- فرهنگی در بین جوانان شهر تبریز»، **مطالعات جامعه‌شناسی**، سال ۱۱، شماره ۴۳، صص ۷۱-۸۸.
- غفاری لشکناری، اباذر، آقاجانی، حسنعلی، گرجی پشته، مرضیه و پوریان، محمدجواد تقی. (۱۴۰۰). «شناسایی ابعاد و مولفه‌های پیشران‌های شهروند فرهنگی»، **فصلنامه سبک زندگی اسلامی**، دوره ۵، شماره ۴، صص ۵۰۰-۵۰۸.
- فاطمی‌نیا، سیاوش. (۱۳۸۶). «فرهنگ شهروندی: محصول و محمل حاکمیت خوب، سازمان کارا و شهروند فعال»، **رفاه اجتماعی**، دوره ۷، شماره ۲۶، صص ۳۵-۵۸.
- فالکس، کیث. (۲۰۱۱). **شهروندی**، محمدتقی دلفروز. تهران: انتشارات کویر.
- فتحی، سروش و ثابتی، مریم. (۱۳۹۱). «توسعه ساختار سازمانی شهری و گسترش فرهنگ شهروندی»، **مطالعات شهری**، سال دوم، شماره ۲، صص ۱۶۳-۱۹۶.
- قلتاش، عباس. (۱۳۹۱). «مبانی اجتماعی و سیاسی تعلیم و تربیت: بررسی تطبیقی رویکردها و دیدگاه‌های تربیت شهروندی» **پژوهش‌نامه تعلیم و تربیت**، سال ۱، شماره ۳، صص ۴۷-۶۴.
- کبیری، لیلا. (۱۳۹۳). بررسی و تحلیل جامعه‌شناختی وضعیت شهروندی فرهنگی در شهر تنکابن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه پیام نور.
- کریمی، حسن. (۱۳۹۰). «سمینار رسانه و آموزش شهروندی» (مجموعه مقالات سمینار) تهران: اداره کل آموزش شهروندی شهرداری. ۳۰۹-۳۲۲.
- محبوبی شریعت‌پناهی، نسیم، رکن‌آبادی افتخاری، عبدالرضا و فلاحتی، لیلا. (۱۴۰۰). «مطالعه رابطه عوامل مؤثر بر مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در دسترسی زنان به شهروندی در ایران»، **مطالعات میان فرهنگی**، سال ۱۶، شماره ۴۹، صص ۶۱-۸۸.
- محمدی، جمال و نازنین تبریزی. (۱۳۹۰). «سنجش میزان آگاهی عمومی به حقوق شهروندی (مورد مطالعه: گروه سنی ۲۰ تا ۳۵ سال شهرهای ساری، بابل، آمل و قائم شهر)» **جامعه‌شناسی مطالعات جوانان**، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۷۵-۱۹۰.

- ملاپور، روح‌انگیز. (۱۳۹۱). بررسی میزان آگاهی شهروندی در میان معلم‌ها؛ مطالعه موردی معلم‌های منطقه ۱۱ شهر تهران پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، تهران: دانشگاه پیام‌نور.
- منافی، کاظم؛ شرف‌آباد، حشمت و زمانی، الهام. (۱۳۹۰). بررسی چالش‌های آموزش شهروندی در کشور و ارائه راهکارهایی برای آن، سمینار رسانه و آموزش شهروندی (مجموعه مقالات) تهران: اداره کل آموزش‌های شهروندی، صص ۳۲۳-۳۳۸.
- نقی‌زاده، فاطمه و ساروخانی، باقر. (۱۳۹۹). «تأثیر سرمایه فرهنگی و عادت‌واره‌های والدین بر جامعه‌پذیری جنسیتی فرزندان (مورد مطالعه شهر کرمانشاه)»، *مطالعات میان فرهنگی*، سال ۱۶، شماره ۴۷، ۶۷-۸۸.
- نوری، فیض‌اله و گل‌پرور، منا. (۱۳۹۰). «بررسی میزان احساس برخورداری زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن» راهبرد، شماره ۵۹، صص ۱۶۷-۱۹۰.
- نیازی، محسن؛ صنعتکار، احسان و سخایی، ایوب. (۱۴۰۱). فراتحلیل رابطه سرمایه فرهنگی و اوقات فراغت: برپایه مطالعه مرور نظام‌مند، *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، شماره ۴۵، صص ۲۷-۵۴.

- B.ellemy,R. (2008). *Citizenship*, Oxford: University press.
- Barrero, Ricard Zapata. (2016). «Diversity and cultural policy: cultural citizenship as a tool for inclusion», *International Journal of Cultural Policy*, No 22 , pp 534-552.
- Bourdieu, P. (1997). *The forms of capital in: Ah Halsey, H. Lauder, P. Brown & AS Wells* (Eds) Education culture economy, society Oxford: Oxford University Press.
- Docherty, I & Goodlad, R & Paddison, R. (2016). «Civic culture community and citizen participation in contrasting neighborhoods», *Urban Studies*, No 38 (12).
- Goode, L. (2010). «Cultural Citizenship Online: The internet and digital culture», *Citizenship students*, No 14 (5), pp 527-542.
- Hamatt, D & Sttaeheli, L. (2011). «Respect and responsibility: Teaching Citizenship in South Africa High School», *International Journal of educational development*, No 31, pp 269-276.
- Janoski, T (1998). *Citizenship ad civil society*, Cambridge University, press cup.

-
- Kymlica, W. (1995). *Multicultural citizenship*, Oxford: : Oxford University Press.
 - Stevenson, N. (2003). Cultural Citizenship in the cultural society: A Cosmopolitan Approach, *citizenship studies*, No 7 (3), pp 331-348.
 - Tobas, R. (1997). *The boundaries of education for active citizenship: institutional and community context*, Newzealand: Secuter Aotearo.
 - Turner, B. S. (2013). *Global sociology and the nature of rights*, Imprin Routledge.
 - UNHABITAT, (2016). Urban Citizenship in a nomadic world interdependency.
 - Young, I. S. (1989). Polity and group difference: A critique of the ideal of universal citizenship, in *citizenship, critic*

COPYRIGHTS

© 2023 by the authors. Licensee Advances in Sociological Urban Studies Journal. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

